

یک‌شنبه ۲ آذر ۱۳۹۹ • ۶ ربيع‌الثانی ۱۴۴۲ • ۲۲ نوامبر ۲۰۲۰

اخبار

رادیو دراما تقدیم می کند

رو نمایی آزدو نمایش رادیویی جدید

پردیس تئاتر تهران همزمان با روز جهانی کودک و در ادامه برنامه های رادیو دراما در روز جمعه ۳۰ آبانماه از دو نمایش کودک رو نمایی می کند.

به گزارش روابط عمومی پردیس تئاتر تهران دو نمایش رادیویی بازی در رستوران و بزن بریم که در شب هدیه پردیس تئاتر تهران در دوران کرونایی است که در ژانر طنز و مناسب کودکان و خانواده های محترم تهیه و تقدیم می شود.

بر اساس این گزارش این دو نمایش کاری زگروه تئاتر الف مثل احساسیه نویسنده‌گی و کارگردانی رضا فقیهی و با صدا پیشگی رضا فقیهی،مرجان خرسند،فریده خرابی و فخرالدین فیض زاده و صدا برداری علی فیروزان و میکس و مستر امیر صالح نجاری آماده و در فضا های مجازی رادیو پردیس تئاتر تهران به آدرس آپارات و اینستاگرام pardistheater@yahooyun.ir و Tehran.Tehran و همچنین سایت‌های تی وال.تیبیان و نمایش تارت باگذاری شده است.

علاقه مندان می توانند برای استفاده برنامه های رادیو دراما به آدرسهای فوق مراجعه و یا برای کسب اطلاعات با تلفن ۳۳۰۳۴۲۰۵ تماس بگیرند.

«بارانداز» به کانال اردوی شبکه سحر می آید

تله فیلم «بارانداز» کاری از مهدی کرم پور از کانال اردوی شبکه سحر پخش می شود.

به گزارش امتیاز، تله فیلم «بارانداز» با محوریت کشتی که ورزش اول ایرانیان است، داستان واقعی درباره زندگی و فعالیت ورزشی کشتی گیران را روایت می کند که در ورزش به قهرمانی اکتفا کرده و منش پهلوانی را فراموش می کنند و ماجراهایی را رقم می زند که ببینده را با خود همراه می سازد. این تله فیلم محصول سیما فیلم بوده و بر اساس فیلمنامه‌ای از فرهاد توحیدی با کاراکترهای کاملا برپایه‌ی شخصیت‌های واقعی است. مجید مغففری، امیریل ارحمند، سپیده علایی، کیانوش گرمای و فرزاد حسینی از جمله نقش آفرینان این فیلم هستند. «بارانداز» به تهیه‌کنندگی محمد پیرهادی و مدیریت دوبلاژ هادی زینلی، ۲ آذر ساعت ۲۱ به وقت تهران به مدت ۹۶ دقیقه از کانال اردوی شبکه سحر پخش خواهد شد.

ولادیمیر آوانسیان درگذشت

امیر حسین معینی -دوست و همکار آوانسیان-فرید - از درگذشت این مجموعه‌دار آثار تاریخی به دلیل کهولت سن خبر داد. او با بیان اینکه مرحوم آوانسیان به دلیل کهولت سن، چند روز در بیمارستان فیروزگر تهران بستری بود و سپس درگذشت، افزود: قرار است پیکر وی در آرامستان ارمانه در جاده خوارن به خاک سپرده شود.

معینی با بیان اینکه نام اصلی آوانسیان ولادیمیر بود، اما بین دوستانش به«ادیک» معروف بود، ادامه داد: آنها از ترکیه به گروزی مهاجرت کرده و سپس به یادگوبیه رفته و در سال ۱۳۸۸ میلادی از یادگوبیه به تبریز آمدند. آوانسیان با بیان اینکه آوانسیان فرید در ۷ آ ۸ سالگی در یک زرگری در تبریز مشغول به کار شده و آنجا قلم‌زنی می‌کرده، به صحبت‌های آوانسیان درباره آغاز علاقه‌مندی‌اش به مسکوکات قدیمی گفت: «زمانی که مسکوکات را به مغازه می‌آوردند، آن‌ها را قیچی می‌کردند که تقلبی بودن‌شان معلوم شود و سپس آن‌ها را ذوب می‌کردند تا به صورت صخذه و متفول در بیابورند تا بعد به طرح دلخواه برسانند. آنجا من سکه‌هایی که دیگر رایج نبودن را می‌دیدم. اولین سکه‌هایی که از آن‌ها خشم آمدم و نگه‌داشتم دو هزار دیناری و ۲ ریالی رضاشاهی بود. یکسال بعد از ماجراهای فرقه دموکرات به تهران آمدم.» وی با بیان اینکه آوانسیان نقاشی را از کودکی دوست داشت و در ۲۵ سالگی به صورت جدی شروع به انجام این کار نیز کرد و از سوی دیگر در دوره‌ای نیز در خیابان جمهوری به کار کفاشی مشغول بوده، ادامه می‌دهد، مرحوم آوانسیان به جمع‌آوری کبریت، تمبر، اسکناس، مدال و سکه علاقه داشته است.

به گفته ی معینی؛ آوانسیان مقاله‌های نیز درباره‌ی سکه‌های یادبود اتحادیه جهانی آشوریان و نگاهی به زندگی مرحوم ادوارد ژوزف در مجله سکه های شرقی منتشر کرده بود. «سکه‌شناسی که تجربه‌اش او را تراز اول کرد

علی شهیدی - استاد ایران‌شناسی و زبان‌های باستان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران - نیز درباره آوانسیان گفت: مرحوم آوانسیان در بخش سکه شناسی به خصوص در حوزه میراث مشترک ایران و ارمنستان تبحر زیادی داشت‌او با تاکید بر این‌که تخصص ویژه‌ی وی در شناخت سکه‌های خاندان‌های پادشاهی قدیم ارمنستان مانند «آرشاکونیانس» بوده، افزود: مرحوم آوانسیان در زمینه تاریخ اسکناس و تمبرهای ایران و ارمنستان نیز صاحب نظر بود و جامعه متخصص تمبرشناسی وی را به عنوان یک کارشناس درجه یک می‌شناختند، به همین دلیل نیز او مورد مراجعه بسیاری از متخصصان دانشگاهی و موزه‌ای بود و به عنوان یک شخصیت تراز اول معمولا از وی در این زمینه سوال پرسیده می‌شد.

وی با تاکید بر وقت زیادی که مرحوم آوانسیان برای جوانان در حوزه سکه‌شناسی می‌گذاشت، ادامه داد: این سکه‌شناس دانش خود در این زمینه را با تجربه به درست آورده بود و در قالب رسمی و آکادمیک درس نخوانده بود اما به کارشناسی خیره در این زمینه تبدیل شده بود که کارشناسان موزه‌دار ارمنستان و ایران برای سوالات خود در این زمینه نخست به وی مراجعه می‌کردند و او نیز پاسخ را با روی گشاده و صمیمی می‌داد.

دکتررضا داوری اردکانی فیلسوف و متفکر ایرانی در نامه‌ای به «مریم امینی» همسر شهیدسیدمرتضی آوینی درباره کتاب «روایت جنگ در دل جنگ» نوشت: این کتاب به‌خصوص برای اهل فرهنگ و سینما، کتابی خواندنی و پراز درس و تذکر است و علاوه بر مزایای تحقیقی که دارد، سعی نویسنده در نزدیک شدن به آنچه هست و روی می‌دهد و علاقه‌اش به فهم اندیشه و عمل و رفتار غیر اروپاییان شایسته ستایش است.

به گزارش امتیاز، در متن نامه دکتررضا داوری اردکانی به مریم امینی درباره کتاب «روایت جنگ در دل جنگ» آمده است: سرکار خانم امینی، سلام عرض می‌کنم و ممنونم که کتاب «روایت جنگ در دل جنگ» با نگاهی به مستندهای سید مرتضی آوینی را که خانم آینس دوویکتور، استاد دانشگاه سوربن نوشته و آقای محمدمهدی شاکری ترجمه کرده‌اند، برای فرستاده‌اید. شاید بدانید که من سروکار چندان با فیلم و هنر سینما ندارم و به این جهت حد خود نمی‌دانم که کتاب روایت جنگ را چنان‌که یک سینماشناس توقع دارد، نقد کنم به‌خصوص که اکنون هم در سن و سالی هستم که خواندن کتاب برای دشوار شده است و در نوشتن آن همیشه کندتر و ناتوان‌تر شده‌ام، اما نمی‌توانستم و نخواستم کتابی را که بخش عمده آن صرف تحلیل فیلم‌ها و تحقیق در آثار مستند دوست عزیز گرانمایه‌ام سید مرتضی آوینی شده است، نخوانم و اکنون به خواننده‌ام، دریافت خود را به اجمال برای‌تان می‌نویسم.

داوری اردکانی در ادامه این نامه نوشته است:

از مزایای کتاب این است که درباره آثار آوینی با ملاک سیاسی حکم نمی‌کند و با نظر سیاسی در آثار آوینی نمی‌نگرد. دشواری قضیه آن‌جاست که اولاً فیلم جنگ نمی‌تواند سیاسی نباشد و ثانیاً آوینی مدافع صریح انقلاب و شهید آن بوده است، پس چگونه می‌توان دفاع او را دفاع از یک سیاست گروه و حزب سیاسی ندانست؟ اروپایی‌ها هنوز خردشان در قیاس با جهان توسعه‌نیافته چندان پریشان نشده است که معنی و جایگاه نظرها و کارها را درنمایند و نه جای آمدن برای درک و فهم روابط امور به ظاهر اکتفا کنند یا هر چیزی را با چیز دیگر بیامیزند و قصد و غرض سیاسی را باعث و راهبر نظر و عمل و حتی منشأ ابداع هنری بدانند. آوینی انقلاب را نه جشنین شدن یک سیاست و حکومت به جای حکومت دیگر، بلکه انقلاب در جان‌ها و آغاز عصری دیگر که در آن صفا و امید و آزادی و آسایش مردم، جای ریا و دروغ و افسردگی و استبداد و قهر را بگیرد، می‌دانست. اگر آوینی جنگ و دفاع زرمندانگ و روحیات و تعلق آنها را ضبط و ثبت کرده است، قصدش تبلیغ سیاسی نبوده و برای تبلیغات و حتی برای تلویزیون فیلم ساخته است.

نویسنده به درستی دریافته است که او شرایط دشوار و واقعیت بدی را گاهی به قصه تبدیل کرده‌است (۱۸۲) آوینی «در حالی که تماشاگر را به درون قصه می‌برد و هم‌زمان او را در برابر سختی زندگی روزمره قرار می‌دهد، هرگونه منطقی زمانی خطی را نفی می‌کند و با گسست‌های زمانی بازی می‌کند؛ برخلاف مستندی سازمانی که باید منوجه پیشرفت اقدامات دولتی باشد یا فیلمی در خدمت حکومت که باید مخاطب را در مورد اقدامات انجام شده متقاعد کند ...» (ص ۱۸۳) حتی وقتی جهادگران در روستاها را نشان می‌دهد، جهادگر «مظهر سیاست‌جوی دولت‌نپست بلکه تجسم توجهی هدفمند و گوشی شنواست»(ص۱۸۶)

از بلوچستان) پیچیده‌تر از انتظارات مخاطب از یک برنامه تلویزیونی محصو فعالیت‌های جهاد سازندگی است. نه حرکت جمعی عظیمی در آن وجود دارد نه شعاری نه اتفاق‌نظر آشکاری و نه فردایی سرورانگیز و شامانه، فیلم وصف فلاکت زندگی روستاییان است و وضع روحی و اخلاقی آنها را چنان نشان می‌دهد که گویی انقلابی روی نداده است (۱۸۶)

آوینی در رؤیای مدینه آسمانی بود
در بخش دیگری از نامه داوری اردکانی درباره



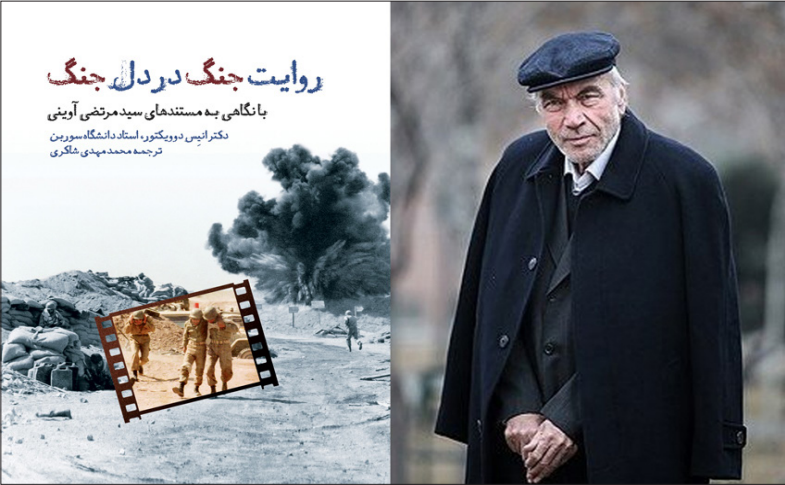
کتاب «روایت جنگ در دل جنگ» می‌خوانیم: نویسنده در کتاب خود با تمهید دو مقدمه مهم برای خواننده، شرایطی فراهم می‌آورد که تفاوت نگاه آوینی و خاص بودن آن را دریابد. در ابتدا، فصلی درباره فیلم جنگی و اوصاف و تاریخ آن می‌نویسد و سپس به فیلم‌های جنگی که در ایران ساخته شده است، می‌پردازد و مثلا نشان می‌دهد که فیلم‌های «سینمای جنگی» جنگ ایران و عراق را مشخصاً بر اساس اسطوره‌های بزرگ هالیوودی در ساختارهای روایی‌ای بررسی می‌کنند که معرف جنگ‌ها در غریند ... ص ۱۲۷.

نویسنده راه دیگری را هم در مستندسازی گشوده می‌بیند که به نظر او، از آن راه، دگرگونی اساسی در سینمای ایران پدید آمده است. این دگرگونی عمده تحت تأثیر مستندسازیانی است که از دوربین بهره می‌گیرند تا وجوه پنهان ایران مدرن و شکوفا را به تصویر بکشند. وجوهی مثل زندگی روزمره فقیرترین‌ها با عقاید و باورهای دینی سنتی و عامیانه که رژیم شاه به عمد آنها را پنهان می‌کرد. بی‌تردید، فروغ فرخزاد شاعر با مستند «خانه سیاه است» ۱۳۴۲ اولین مستند سازی است که روزنی را در سینما گوشود که تاکنون به صورتی گسترده، است (ص ۱۲۹) نویسنده می‌خواهد به درستی بگوید که آوینی در پی این مستندسازان آمده است. و برای این‌که بگوید آوینی چگونه کار ثبت و صورت‌بندی جنگ را آغاز کرده است، جمله‌ای از ژان لوک‌گدار نقل و شرح می‌کند. عبارت ژان لوک‌گدار این است که دوربین و تکنیک‌های تصویربرداری (و صدابرداری و تدوین) بیشتر یا مسائل اخلاقی سر و کار دارند و از جمله آن‌ها این‌که چگونه نمایش دهیم، به دنبال چه تأثیری بر تماشاگران هستیم. به نظر او سودهایی و از جمله مهم‌ترین ساختن مخاطب غیر اخلاقی‌اند و به این‌جا می‌رسد که ابزارهای خاص سینما می‌توانند حامل خفقان یا از خود بیگانگی مضاعف باشند یا برعکس فضاهای آزاد و خودگردان عاطفی و فکری ایجاد کنند. پیداست که به قول نویسنده، آوینی و همکارانش، پیرو ژان لوک گدار نبوده‌اند اما همان تکنیکی‌ها و نگرانی‌های اخلاقی او را داشته‌اند (صص ۱۸۸-۱۸۹)

آوینی با دوربین و تصاویری که از جبهه جنگ و جنگنگاشتی می‌گرفته است، چه می‌کرده و به مدد آن‌ها چه می‌خواسته است بگوید؟ نویسنده با طرح بحث ظاهر و باطن در تشیع و حفظ ظاهر در عین رجوع به باطن، مقصد آوینی را نه تصویر جنگ بلکه نشان دادن حقیقت دانسته و کوشیده است با رجوع به هناری کربن و وصفی که او از تشیع و عرفان شیعی می‌کند، راهی برای تفسیر گفتارهایی که معمولا آوینی بر تصاویر می‌شود بیابد. گرچه کربن با انقلاب میانه‌ای نداشت و آوینی هم کربنی نبود. رؤیای مدینه آسمانی کربن نمی‌توانست برای جهانی که امید از آن رخت برمی‌بندد، بی‌جاذبه باشد. آوینی که رؤیای مدینه آسمانی بود (و این جریزست که بعضی گروه‌ها و اشخاص سیاسی سیاست ناشناس هرگز به آن فکر نکردند و تعلق خاطر به انقلاب را به خشونت طلبی و روح استبدادی و فاشیسم و ... نسبت می‌دادند و می‌دهند) اما به هیچ گروه سیاسی نبویست و از هیچ سیاست خاص حمایت نکرد هر چند که شاید تیرگی و پوشیدگی افق

نامه دکتررضا داوری اردکانی به مریم امینی؛

کتاب «روایت جنگ در دل جنگ» پراز درس و تذکر است



کتاب «روایت جنگ در دل جنگ» می‌خوانیم: نویسنده در کتاب خود با تمهید دو مقدمه مهم برای خواننده، شرایطی فراهم می‌آورد که تفاوت نگاه آوینی و خاص بودن آن را دریابد. در ابتدا، فصلی درباره فیلم جنگی و اوصاف و تاریخ آن می‌نویسد و سپس به فیلم‌های جنگی که در ایران ساخته شده است، می‌پردازد و مثلا نشان می‌دهد که فیلم‌های «سینمای جنگی» جنگ ایران و عراق را مشخصاً بر اساس اسطوره‌های بزرگ هالیوودی در ساختارهای روایی‌ای بررسی می‌کنند که معرف جنگ‌ها در غریند ... ص ۱۲۷.

نویسنده راه دیگری را هم در مستندسازی گشوده می‌بیند که به نظر او، از آن راه، دگرگونی اساسی در سینمای ایران پدید آمده است. این دگرگونی عمده تحت تأثیر مستندسازیانی است که از دوربین بهره می‌گیرند تا وجوه پنهان ایران مدرن و شکوفا را به تصویر بکشند. وجوهی مثل زندگی روزمره فقیرترین‌ها با عقاید و باورهای دینی سنتی و عامیانه که رژیم شاه به عمد آنها را پنهان می‌کرد. بی‌تردید، فروغ فرخزاد شاعر با مستند «خانه سیاه است» ۱۳۴۲ اولین مستند سازی است که روزنی را در سینما گوشود که تاکنون به صورتی گسترده، است (ص ۱۲۹) نویسنده می‌خواهد به درستی بگوید که آوینی در پی این مستندسازان آمده است. و برای این‌که بگوید آوینی چگونه کار ثبت و صورت‌بندی جنگ را آغاز کرده است، جمله‌ای از ژان لوک‌گدار نقل و شرح می‌کند. عبارت ژان لوک‌گدار این است که دوربین و تکنیک‌های تصویربرداری (و صدابرداری و تدوین) بیشتر یا مسائل اخلاقی سر و کار دارند و از جمله آن‌ها این‌که چگونه نمایش دهیم، به دنبال چه تأثیری بر تماشاگران هستیم. به نظر او سودهایی و از جمله مهم‌ترین ساختن مخاطب غیر اخلاقی‌اند و به این‌جا می‌رسد که ابزارهای خاص سینما می‌توانند حامل خفقان یا از خود بیگانگی مضاعف باشند یا برعکس فضاهای آزاد و خودگردان عاطفی و فکری ایجاد کنند. پیداست که به قول نویسنده، آوینی و همکارانش، پیرو ژان لوک گدار نبوده‌اند اما همان تکنیکی‌های و نگرانی‌های اخلاقی او را داشته‌اند (صص ۱۸۸-۱۸۹)

آوینی با دوربین و تصاویری که از جبهه جنگ و جنگنگاشتی می‌گرفته است، چه می‌کرده و به مدد آن‌ها چه می‌خواسته است بگوید؟ نویسنده با طرح بحث ظاهر و باطن در تشیع و حفظ ظاهر در عین رجوع به باطن، مقصد آوینی را نه تصویر جنگ بلکه نشان دادن حقیقت دانسته و کوشیده است با رجوع به هناری کربن و وصفی که او از تشیع و عرفان شیعی می‌کند، راهی برای تفسیر گفتارهایی که معمولا آوینی بر تصاویر می‌شود بیابد. گرچه کربن با انقلاب میانه‌ای نداشت و آوینی هم کربنی نبود. رؤیای مدینه آسمانی کربن نمی‌توانست برای جهانی که امید از آن رخت برمی‌بندد، بی‌جاذبه باشد. آوینی که رؤیای مدینه آسمانی بود (و این جریزست که بعضی گروه‌ها و اشخاص سیاسی سیاست ناشناس هرگز به آن فکر نکردند و تعلق خاطر به انقلاب را به خشونت طلبی و روح استبدادی و فاشیسم و ... نسبت می‌دادند و می‌دهند) اما به هیچ گروه سیاسی نبویست و از هیچ سیاست خاص حمایت نکرد هر چند که شاید تیرگی و پوشیدگی افق

هم می‌پوشاند و هم آشکار می‌کند. مراد نویسنده اینست که آوینی هم ساز و کاری ایجاد کرده است که به ببیننده اجازه می‌دهد پلشتی‌های جنگ را نبیند و نگاهش را از جنگ برگیرد تا خودش را با دیدن آن کور نکند و از این راه معنای حقیقی جنگ را دریابد (ص ۲۸۳)

راستی آیا می‌توان به طور کلی زشتی‌ها و مخصوصاً پلشتی‌های جنگ را ندید و معنی آن را دریافت؟ مراد نویسنده صرفاً ندیدن پلشتی‌های جنگ در تصویر و روی پرده سینما و تلویزیون است. گویی فیلمساز سپری دارد که زشتی‌ها را می‌پوشاند اما ببیننده چه باید بکند و در تصویر ی جنگ زشتی‌هایش حذف شده است، چگونه معنی را دریابد. ظاهراً میان فیلمساز و ببیننده پیوند تفاهمی وجود دارد و با این نسبت، ببیننده معنای پنهان در پس پرده و پشت تصویر را می‌بیند. با این وصف بسیار مشکل است که بدانیم آوینی چه آینده‌ای داشته‌است که به نظر نویسنده می‌خواسته است راهی به سوی جامعه آخرالزمانی رسته از دوری و همراه و شریک او بودم) این خوش‌بینی اگر برای خرد همگانی و فهم رایج سیاسی امری عادی بود یا فکر تاریخی و معنی‌های جنگی که در ایران وجود، یعنی زمان پست مدرن فرارسیده بود و جهان دیگر چشم‌اندازی نداشت و زمانه وفاداری و امید نبود و کربن به ما ایرانیان یادآوری می‌کرد که فردای خود را در گذشته‌ای که آن را از یاد برده‌ایم و از طریق رجوع به عالم خیال مجرد پیجوییم. طبیعی بود که کسانی آن را یک بشارت تلقی کنند ولی تا آنجا که من می‌دانم، آوینی نه به طرح کربن بلکه به استقلال کشور و آزادی مردم و پدید آمدن یک جامعه معنوی و اخلاقی فکر می‌کرد.

آوینی و من به این راه رویایی دلبستگی داشتم
در ادامه این نامه آمده است: نویسنده کتاب روایت جنگ هم به ما می‌گوید که آوینی در جنگ نه صرف خشونت و کسب پیروزی و افتخار بلکه جلوه و ظهور حقیقت را می‌پدیده است. جنگ حتی اگر امری ناگزیر باشد، غایت و مطلوب نیست. زرمندگان هم نه برای اظهار دشمنی با این و آن می‌جنگند، بلکه در آزمایش خطیر مقابله با ظلم و فساد و خودابلائی و در راه تهذیب خویش قدم برمی‌دارند. مقصد جنگ، غلبه و پیروزی نیست بلکه آزاد شدن و آزادی است. در انقلاب این امید بوجود آمد که دوران تکرار امروز بی فردا به سر آمده‌است و کم کم دارد راهی برای راهبای و آزادی گشوده می‌شود. این دلبستگی چندساله قوت داشت که زشتی‌ها را از نظرها می‌پوشاند.

در ادامه این نامه آمده است: نویسنده کتاب روایت جنگ هم به ما می‌گوید که آوینی در جنگ نه صرف خشونت و کسب پیروزی و افتخار بلکه جلوه و ظهور حقیقت را می‌پدیده است. جنگ حتی اگر امری ناگزیر باشد، غایت و مطلوب نیست. زرمندگان هم نه برای اظهار دشمنی با این و آن می‌جنگند، بلکه در آزمایش خطیر مقابله با ظلم و فساد و خودابلائی و در راه تهذیب خویش قدم برمی‌دارند. مقصد جنگ، غلبه و پیروزی نیست بلکه آزاد شدن و آزادی است. در انقلاب این امید بوجود آمد که دوران تکرار امروز بی فردا به سر آمده‌است و کم کم دارد راهی برای راهبای و آزادی گشوده می‌شود. این دلبستگی چندساله قوت داشت که زشتی‌ها را از نظرها می‌پوشاند.

آوینی و من به این راه رویایی دلبستگی داشتم. وقتی راه توسعه بنسته یا فراموش می‌شود روح توسعه‌یافتگی غلبه می‌کند دو راه بیشتر وجود ندارد یا به فرو رفتن در مراب تباهی یابد یا تسلیم شد یا برای یافتن راه برون‌شد، به آینده رؤیایی و امثال آنچه کربن تعلیم می‌کرد پناه برد. این راه گرچه در ابتدا، امن و بی‌خطر و کوتاه به نظر می‌رسد و روندگان زیادی هم دارد، معلوم نیست که به کجا می‌رسد و چه سر روندگارش می‌آید. در چنین شرایطی باید به خدا پناه برد.

در انقلاب، مردم ایران به راه خدا و دین میل کردند و به خصوص جوانان در ابتدای راه که راه جنگ و خون و شهادت هم بود، صفا و وفاداری نشان دادند. لقبیلت آوینی این بود که آیینهای در برابر جنگ قرار داد تا زیبایی صفا و تعلق به آزادگی را نشان دهد. در پایان بخش چهارم از فصل چهارم که عنوانش «در میانه مار مرثی و نامرثی» است، نویسنده به این نتیجه رسیده است که آوینی ببیننده را دعوت می‌کند که صرفاً به آن‌چه بر صفحه تلویزیون نقش می‌بندد اکتفا نکند. او کار آوینی را یادآور تمثیلی می‌داند که کراوتزر، منتقد و محقق سینما به آن متوسل شده است. «کراوتزر به افسانه پرسنوس اشاره می‌کند که با استفاده از آیینهای- که در واقع سر صیقلی اهدایی آنتا به او بود- به مصاف گورگون رفت و بدون این‌که مستقیم به چشمان کشده او نگاه کند با نگاه در آیینه از نگاه مرگبار او در امان ماند.»

به نظر کراوتزر «ما زشتی‌ها و پلشتی‌های واقعیت را نمی‌بینیم و نمی‌توانیم ببینیم...» (ص ۲۸۳)

آیا تصاویر سینما با آینه آنتا شباهت دارد که

اخبار

در شبکه سحر «پرچم بالاست»

مجموعه مستند «پرچم بالاست» از کانال بالکان شبکه سحر پخش می‌شود.
به گزارش امتیاز، این مجموعه مستند با تهیه‌کنندگی آرش جعفریان و کاری از گروه اجتماعی شبکه سه سیما است. تخصص و مهارت تیم تولیدکننده در حوزه مستند طبیعت و تلفیق مباحث ورزشی و هیجانی با امور معنوی به خصوص مفهوم انتظار فرج حضرت صاحب الزمان (عج) این مستند را به برنامه‌ای خاص و خلاقانه در تاریخ برنامه‌سازی و مستند های طبیعت ایران تبدیل کرده است.
در «پرچم بالاست» شاهد کوهنوردی و طبیعت گردی یک تیم حرفه‌ای با حضور ورزشکاران زنده ای هستیم که با سفر به نقاط مختلف طبیعت ایران به ماجراجویی می‌پردازند و مخاطبان و بینندگان کانال بالکان را با طبیعت بکر، سرسخت و متنوع کشورمان آشنا می‌کنند.
«آرش» و «مهران» دو عضو این تیم حرفه‌ای هستند که همراه گروه با سفر به مناطق پرخطر کشورمان به انجام ورزش های تخصصی همچون کوهنوردی، غلزنوردی، دوچرخه سواری، افروند، صخره نوردی و... می‌پردازند. آن‌ها بر روی خودروهای خود پرچمی برافراشته‌اند که بر روی آن با خط سفید نوشته‌اند «خواهد آمد» که اشاره نام برنامه نیز به همین پرچم است.
مستند «پرچم بالاست» از شبیه ۱ اذر ساعت ۱۷:۳۰ به وقت تهران در ۴ قسمت ۴۰ دقیقه‌ای با روی آنتن کانال بالکان شبکه سحر است.
زبانگردانی و ترجمه این مستند به زبان بومیایی توسط سارنگ اسفندیاری انجام شده است.

«میزگرد سیاسی» از شبکه سحر می‌پردازد؛

ابهام در وضعیت حقوقی قره باغ کوهستانی

ابهام در احیای کامل تمامیت ارضی آذربایجان و نارضایتی اوبلاسیویون و برخی از تحلیل‌گران آذری از مفاد توافق نامه صلح، امشب در برنامه «میزگرد سیاسی» (کمپاس) از کانال آذری شبکه سحر بررسی می‌شود.

به گزارش امتیاز، مسکوت ماندن رژیم حقوقی جدید برای قره باغ در توافق نامه صلح روسیه، تاکید بر اهمیت خاص به اعطای شدن هیچ گونه امتیاز خاص به منطقه قره باغ و اظهارات «ولادیمیر پوتین» درباره لزوم حل وضعیت حقوقی قره باغ در فرآیند آتی صلح از محورهای اصلی برنامه «کمپاس» است.

قهرمان نوری کارشناس و تحلیل گر مسائل سیاسی در استودیوی برنامه به تلاش های فرانسه برای کسب امتیازات ویژه برای ارمانه ساکن قره باغ و امکان شناسایی استقلال قره باغ توسط دولت «جو بایدن» اشاره خواهد کرد. همچنین الخان شاپین اولگو دیوید کارشناس «کمپاس» به صورت ارتباط اسکایپی به تحلیل مواضع روسیه در مناقشه قره باغ و مخاطبان و بینندگان کانال آذری شبکه سحر سخن می‌گوید. «میزگرد سیاسی» (کمپاس) شبیه ۱ اذر ساعت ۲۰:۴۰ به وقت تهران با اجرای محمدرضا مهرفازرا بر روی آنتن کانال آذری شبکه سحر است. قهرمان نوری تهیه کننده «میزگرد سیاسی» است.

جنگ روانی حمله نظامی آمریکا به ایران «روی خط» کانال اردوی شبکه سحر

برنامه زنده « روی خط»، شایعات رسانه های غربی در حمله آمریکا به ایران و بازتاب آن در رسانه های شبکه قاره راه در کانال اردوی شبکه سحر بررسی می‌کند.

به گزارش امتیاز، شایعه حمله و تهدید نظامی آمریکا به عنوان یک جنگ روانی علیه ایران و قوت گرفتن این شایعه در رسانه های تصویری و مطبوعات شبه قاره هند به نقل از نیویورک تایمز و دیگر رسانه های غربی با حضور دکتر علی واصف؛ استاد دانشگاه از آمریکا، دکتر ظفر بکتش؛ رئیس موسسه اسلامی در کانادا، دکتر صدر رضا، تحلیلگر سیاسی از پاکستان به صورت اسکایپ در برنامه امشب «روی خط» تحلیل خواهد شد. «روی خط» به تهیه‌کنندگی سعید دیبانی و اجرای سید راشد عباس تقوی ۱ اذر ساعت ۱۹:۳۰ دقیقه به وقت تهران به طور زنده به روی آنتن کانال اردوی شبکه سحر خواهد رفت.

به دنبال «شهر جهانی گردو»

تویسرکان در دایره نگاه دوربین مستند جدید العالم قرار گرفت

طلا سیز در مستند جدید «شهر جهانی گردو» یعنی تویسرکان به مخاطبان عرب زبان شبکه العالم معرفی می‌شود.

به‌گزارش امتیاز، گردوز درختان ارزشمنندی

است که به عنوان یک محصول صادراتی دارای جایگاه خاصی بوده و شهر تویسرکان (همدان) به عنوان بهشت گردوهای ایران معروف است. محمد معین مقامی تهیه کننده شبکه العالم همراه تیم مستند ساز، این بار به شهر زیبای تویسرکان سفر کرده و مراحل کاشت، داشت، برداشت و همچنین فرآوری گردو در این شهر را به تصویر کشیده‌است. وی در این باره ضمن تاکید بر شهرت جهانی تویسرکان و ثبت آن در فهرست سازمان مالکیت فکری جهانی «وای پو» اشاره کرد: با کشاورزان و تولید کنندگان این منطقه در خصوص کیفیت، طعم بی نظیر و بزرگی های منحصر به فرد این گوی سبز تویسرکان و همچنین آغازعملیات گردو تکانی درختان باغ های این شهرستان و چگونگی باغداری و صنایع جانبی مرتبط با این محصول و نیز صادرات آن به اقصی نقاط دنیا گفت وگو کرده و آنان اطلاعات بسیار مفیدی برای علاقه مندان بیان خواهند کرد. تهیه‌کنندگی و کارگردانی این مستند بر عهده محمدمعین مقامی بوده و علا‌قلمسی آن را روایت کرده است. امیرحسین عزیزی و نیما محسنی نیز تصویربردار و تدوینگر این مستند جذاب هستند. «شهر جادویی گردو» فردا ۲ آذر ساعت ۲۱ به وقت تهران از شبکه العالم پخش خواهد شد.

حاشیه ادبیات کودک جهان و مثل جهان سوم ادبیات کودک جهانیه که بخشی از آن هم به اقتصاد و ساز و کارهای حقوقی بستگی دارد. در حوزه ادبیات کودک نباید بدبین بود به اینکه همه چیز خراب شده و باید از نو آن را ساخت. می‌توان پذیرفت که نوشتن، گفت‌وگو، نقد رادیکال و حرکت در فضایی که چندان هم قطب‌بندی شده نیست و آدم‌ها در آن رفت و آمد دارند و ذهنیت آنها می‌تواند تغییر هم داشته باشد، امکان‌پذیر است.

در ادبیات کودک نیاز به رنسانس و تحول داریم

حسین شیخ‌الاسلامی، منتقد، مترجم و نویسنده نیز در این نشست مجازی که با حضور عده‌ای از علاقه‌مندان به مطالعات و ادبیات کودک و نوجوان انجام شد، گفت: هر چند در دههٔ اخیر به خاطر فعالیت یکی دو ناشر اوضاع نشر بهتر شده، اما دولت یا حاکمیت یا جریان‌های اصلی پول را به چیزی از این جنس تشخیص می‌دهد که بهتر است ما نهادای به نام ادبیات کودک باطربندیم و با به عده‌ای از افراد فرصت می‌دهد که هر آنچه می‌خواهند را بنویسند. همین موضوع باعث شده که غیر از استثناات، در طول سه دههٔ این کارها عموماً چاپ شده و در چرخه‌ای معیوب خریداری شده و دوباره به فروش برود تا همین عده دوباره همان آثار را بنویسند. شیخ‌الاسلامی با ذکر این نکته که ما باید ادبیات را با صنایع دیگر پیوند بزنیم، افزود: ما به جای اینکه بگوییم قصه‌نویس باید کتاب بنویسد باید بگوییم قصه‌نویس باید بازی و فیلم و اپلیکیشن بنویسد؛ چون نهاد نشر هم دچار وابستگی به پول نفت و ترجیح ایدئولوژیک وجود حیات نهاد ادبیات کودک است. چه پیش از انقلاب و چه اکنون، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و شورای کتاب کودک به عنوان دو نهاد اصلی این حوزه، هر دو با تصمیم و حمایت‌های دولت ساخته شدند و زایش و تولد آنها طبیعی نیست و زمانی که حیات یک مجموعه‌گلخانه‌ای است، منتقدان و نظریه‌پردازان نمی‌توانند از آن تحلیل درستی داشته باشندوی در بخش دیگری از این برنامه با بیان اینکه نهاد ادبیات آن‌قدر مسموم شده و با واقعیت بازار بی‌ربط است که شاید بهتر باشد به جای نقد آنان برویم سراغ یک نسل جدید و کاری به کار آنچه در دههٔ شصت و هفتاد بر سر ادبیات کودک آمد نداشته باشیم، افزود: ما در حال حاضر تورم نویسنده و ناشر داریم. این در حالی است که بچه‌های ما که الان



بازار طبیعی کتاب برای آنها شکل گرفته و به طور مثال پدر و مادرهایشان در سال ۱۰۰ میلیارد کتاب غیر کمک درسی می‌خرند. ۲۲۰ میلیارد فقط برای یک بازی و ۹۵۰ میلیارد برای یک فیلم خارجی می‌پردازند و بازار طبیعی کتاب ایران آن قدر کوچک است که در میان این اعداد و ارقام اصلاً دیده نمی‌شود.وی با اشاره به این موضوع که از هر ۳۰ نفر انگلیسی‌زبان حداقل یک نفر کتابی از نیل گیمن را خوانده و زمانی که قرار است کتابی از جابلی می‌شود، قبل از انتشار کتاب، قرارداد بازی، فیلم و سریال آن بسته شده، اضافه کرد: چیزی که ما به اسم سنت ادبیات کودک ایران داریم و صمد بهرنگی آن را شکل داده و بعد تغییر شکل داده و نسلی دیگر آن را مدرنیزه و تلاش برای اقتصادی‌کردن آن کرده، در مسیری که برای نزدیک‌شدن به کودک واقعی پیمود، شکست خورده‌است. این را باید رها کرد و به کودکان ایرانی آندیشید که جز فرهنگی‌ترین قشر میانه‌اند و سرانهٔ آنها در استفاده از محصولات فرهنگی خیلی بالاست. ادبیات کودک ایران راه را پرت رفته است و به صورت کامل در تومم است. پس باید با بی‌توجهی مطلق به آنچه که رخ داده به جامعهٔ جهانی پیوست، چرا که در ایران هم کتاب‌های خارجی بیشتر خوانده می‌شود.

شیخ‌الاسلامی خاطرنشان کرد، با حذف هر جریان مخالفه، اما به جد معتقدم چیزی که به شکل کلاسیک سنت ادبیات کودک شناخته می‌شود در ایران به انسداد رسیده و در شکل فعلی قابل اصلاح نیست اما طبیعتاً اقتصاد خود را دارد. ما نیاز به یک رنسانس و تحول در ادبیات کودک داریم و شنانه‌های آن راه می‌بینیم و این تحول بیش از آن که سنت نقش داشته باشد، فضای معنوی بین‌المللی مؤثر است و این تغییر بیش از آنچه از جنس اصلاح باشد از جنس تحول انقلابی خواهد بود.

^[1] حاشیه ادبیات کودک جهان و مثل جهان سوم ادبیات کودک جهانیه که بخشی از آن هم به اقتصاد و ساز و کارهای حقوقی بستگی دارد